216483 ـ محبت در راه الله از محکم‌ترین دستاویزهای ایمان است

سوال

آیا دوست داشتن در راه الله و انجام حقوق و وظایف و مقتضیات آن عبادت و عامل نزدیکی به الله تعالی است؟ آیا این کار به مثابه‌ی عبادت نافله یا حج است چنانکه حسن بصری به یکی گفت که: ای اعمش خارج شدن در راه برآورده ساختن نیاز برادرت همانند حجی پس از حج است. آیا این سخن را برای تشویق به او گفته یا واقعا ثوابش همینقدر است؟ چگونه ممکن است انسان با دوست داشتن کسی در راه الله به جایی برسد که در سایه‌ی پروردگار رحمان بایستد و محبتش بر ما واجب شود؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

دوست داشتن در راه الله از محکم‌ترین دستاویزهای ایمان و از بزرگترین اساس‌هایی است که جامعه‌ی اسلامی بر آن شکل می‌گیرد و باعث دوام مودت و همگرایی میان مردم می‌شود در نتیجه یکدیگر را دوست داشته و به دیدار هم می‌شتابند و نسبت به یکدیگر خیرخواهی کرده و به معروف امر نموده از منکر باز می‌دارند و معنای برادری اسلامی را محقق می‌سازند و با همین محبت است که شیرینی ایمان را در معاملات و دوستی و معاشرت خویش می‌یابند.

امام احمد (۱۸۵۲۴) از براء بن عازب از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت کرده که فرمود: «محکم‌ترین دستاویزهای ایمان این است که برای الله دوست بداری و برای الله دشمنی ورزی».

محققان مسند احمد و همینطور آلبانی در «صحیح الترغیب» (۳۰۳۰) این روایت را حسن دانسته‌اند.

بنابراین محبت در راه الله از بزرگترین عوامل نزدیکی به الله و از بهترین اعمال است.

بخاری (۱۳) و مسلم (۵) و نسائی (۵۰۱۷) ـ لفظ حدیث از نسائی است ـ از انس ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده‌اند که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «قسم به آنکه جان محمد به دست اوست، کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه برای برادرش همان خیری را که برای خود دوست دارد، دوست بدارد».

حافظ ابن حجر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«کرمانی می‌گوید: و همچنین از ایمان است که برای برادرش همان شری را که برای خود بد می‌دارد، بد بدارد». فتح الباری (۱/ ۵۸).

پس اگر ایمانِ واجب جز با محبت خیر برای مسلمان و بد داشتن شر برای او محقق نمی‌شود، بنابراین خود محبت مسلمان و موالات او مهم‌تر و والاتر است.

ثانیا:

ابن ابی الدنیا در «قضاء الحوائج» (۱۰۳) و در «اصطناع المعروف» (۱۶۳) از طریق حکم بن سنان از مالک بن دینار روایت کرده که گفت: «حسن، محمد بن نوح و حُمَید طول را در راه نیاز برادرش فرستاد و گفت: به ثابت بنانی نیز بگویید و او را با خود ببرید. ثابت به آنان گفت: من در اعتکافم. حُمَید به نزد حسن برگشت و او را از گفته‌ی ثابت مطلع کرد. حسن به او گفت: «به نزدش برگرد و به او بگو: ای عُمَیش آیا نمی‌دانی که رفتن برای رفع نیاز برادرت برای تو بهتر از حجی پس از حجی است؟»

سند این روایت ضعیف است و حکم بن سنان ضعیف الحدیث است. ابن معین و نسائی و ابن سعد و ابوداوود و دیگران او را ضعیف دانسته‌اند. ابن حبان می‌گوید: «او از جمله کسانی است که از راویان ثقه به تنهایی احادیث موضوع روایت کرده و به او توجه نمی‌شود» برگرفته از «تهذیب التهذیب» (۲/ ۳۶۷).

و بر فرض صحت، این روایت حمل بر تاکید بیشتر و تشویق به برآورده ساختن نیازهای مسلمانان می‌شود.

صحیح‌تر از آن حدیث ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ است که می‌گوید: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «اینکه با برادرم در [راه برآورده ساختن] نیازی گام بردارم برایم دوست داشتنی‌تر از این است که یک ماه در این مسجدم به اعتکاف بنشینم و هرکه با برادر مسلمانش در راه نیازش قدم بردارد تا آنکه برآورده‌اش سازد الله قدم‌هایش را در روزی که گام‌ها می‌لغزد استوار می‌گرداند».

به روایت طبرانی (۱۳۶۴۶) و ابن بشران در «الأمالی» و دیگران. آلبانی در «السلسلة الصحیحة» (۹۰۶) آن را حسن دانسته است.

همچنین ابن مبارک در «الزهد» (۷۴۶) از ابوجعفر روایت کرده که گفت: «مردی به نزد حسین بن علی آمد و از او برای نیازی کمک خواست و دید که ایشان در اعتکاف است. پس گفت: اگر در اعتکاف نبودم با تو بیرون می‌آدم و نیازت را برآورده می‌ساختم. سپس از نزد او بیرون آمد و به نزد حسن بن علی رفت و نیازش را با او در میان گذاشت. پس حسن با

او بیرون آمد تا مشکلش را برطرف کند. او به حسن گفت: دوست نداشتم از تو برای نیازم کمک بخواهم و اول به نزد حسین رفتم و او گفت: اگر در اعتکاف نبودم حتما با تو بیرون می‌آمدم. حسن گفت: «برآورده ساختن نیاز برادرم در راه الله برایم از یک ماه اعتکاف دوست داشتنی‌تر است».

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«برآورده ساختن نیازهای مسلمانان مهم‌تر از اعتکاف است زیرا سود آن فراتر از شخص است و آنچه سودش فراگیر است بهتر از سود محدود است، مگر آنکه سود محدود از موارد مهم و واجبات اسلام باشد» از «مجموع فتاوی ورسائل العثیمین» (۲۰/ ۱۸۰).

ثالثا:

یکی از هفت گروهی که الله در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او نیست زیر سایه‌ی خودش می‌گیرد «دو شخص‌اند که در راه الله دوست شدند، برای او به هم رسیدند و برای او از هم جدا شدند» چنانکه در حدیث صحیح متفق علیه آمده است.

امام احمد (۲۲۰۰۲) از عُبادة بن صامت از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت کرده که گفت: «محبت من بر بر کسانی که در [راه] من یکدیگر را دوست دارند واجب شده و محبت من برای کسانی که در راه من به دیدار هم می‌روند واجب شده و محبت من برای کسانی که در راه من به یکدیگر بذل و بخشش می‌کنند واجب شده و محبتم در حق کسانی که با یکدیگر دوستند و ارتباط دارند واجب شد».

آلبانی در «صحیح الجامع» (۴۳۲۱) این روایت را صحیح دانسته است.

بنده می‌تواند با محبت صادقانه و خالص ساختن آن برای الله وهمکاری در راه نیکی و تقوا و توصیه به خیر و اجتماع بر طاعات و انکار گفتار و کردار منکر و دوست داشتن آنچه خود دوست دارد برای برادرش و بد دانستن آنچه خود بد می‌داند برای او و شاد شدن به شادی‌اش و غمگین شدن برای غمش و یاری او در طاعت الله و مشکلات دنیا و آخرت و حفظ جان و مال و آبروی‌اش در غیاب او و تاخیر نکردن در کمک او یا خانواده‌اش و ذکر نیک او و پوشاندن عیبوبش و غیبت نکردن و بهتان نزدن به وی و رفتار با او همانند برادر خونی و بلکه بهتر به این منازل بلند و درجات والا دست یابد.

به طور کلی: با وی همان رفتار نیکی را داشته باشد که دوست دارد با او داشته باشند، هر گفتار یا کردار نیکی در حضور یا عدم حضورش.

والله تعالی اعلم.